

ارتباطات و همکاری‌های علمی و فرهنگی حوزه‌های علمیه به‌عنوان میراث ماندگار تشیع، با عالمان و مراکز علمی سایر مذاهب و ادیان جهان، پیشینه درخشان و پرفروغی در گذشته علمی کشور دارد. مراودات علمی و فکری درون‌دینی و میان‌دینی بین حوزه‌های علمیه عراق، ایران و لبنان و تراث گران‌سنگ حاصل از این ارتباطات، گواه خوبی بر این مدعاست.

اما هنگامی که چنین پیشینه‌ای در کنار وضعیت حضور بین‌المللی امروز مراکز دین‌پژوهی از یک‌سو و نیازها، مطالبات و سؤالات و شباهت مراکز علمی و فرهنگی خارج از کشور از سوی دیگر قرار گرفته و مقایسه شود، نقش کم‌رنگ و غیر مؤثر این مراکز در عرصه بین‌الملل نمایان می‌گردد و یک سؤال جدی به این مضمون پیش‌روی سیاست‌گذاران و مدیران نهادها و مراکز دین‌پژوهی قرار می‌گیرد که: «چگونه می‌توان حضور و همکاری بین‌المللی مراکز دین‌پژوهی کشور را پررنگ و مؤثرتر کرد؟»

در این مقاله تلاش شده است با شناسایی و صورت‌بندی عوامل مؤثر بر همکاری‌های علمی، مدل سیاست‌گذاری جامع‌الاطراف پیشنهاد شود. این مدل، برای گسترش و غنی‌سازی دین‌پژوهی در عرصه بین‌الملل، مؤلفه‌هایی مانند الگوی ارتباطی همکاری مشترک، ویژگی‌های طرف همکاری، شرایط محیطی فضای همکاری و رویکردهای دین‌پژوهی را مورد توجه قرار داده و آنها را در قالب ۱۷ مؤلفه خرد، بسط و شرح داده است. این مؤلفه‌ها در نهایت به‌عنوان ملاک‌های راهنمای مسئله‌شناسی و راه‌حل‌جویی جهت توسعه و بهبود همکاری‌های مراکز دین‌پژوهی معرفی شده و برای عملیاتی ساختن این چارچوب مفهومی نیز، یک فرآیند مدیریتی پیشنهاد شده است.

■ واژگان کلیدی:

دین‌پژوهی، همکاری علمی بین‌المللی، مراکز دین‌پژوهی، مدل سیاست‌گذاری، حوزه‌های علمیه.

مدل سیاست‌گذاری گسترش همکاری‌های بین‌المللی مراکز دین‌پژوهی کشور

محمدرضا بهمنی

مریی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
m_rbahmani@yahoo.com

بیان مسئله

عرصه دین‌پژوهی، پیشینه قابل توجهی در مراکز علمی و پژوهی دنیا دارد. در کشور ما نیز به اعتبار هویت علمی، فکری و فرهنگی حوزه‌های علمیه به‌عنوان میراث ماندگار تشیع و نیز با توجه به دغدغه‌های مراکز دانشگاهی حوزه علوم انسانی، در معرض توجه و اهتمام جدی قرار دارد. همچنین بزرگان و عالمان حوزه‌های علمیه در جریان دین‌پژوهی (و البته فعالیت‌های فرهنگی و ترویجی) خود، همواره ارتباطات علمی و فرهنگی پویایی با عالمان و مراکز علمی سایر ادیان و تمدن‌ها داشته‌اند. تراث گران‌سنگ عالمان و اندیشمندان حوزه‌های علمیه عراق، ایران، لبنان و... در تعامل و مراودات علمی و فکری درون‌دینی و میان‌دینی مؤید این مطلب می‌باشد. که از آن جمله می‌توان به مراودات و ارتباطات علمی و فرهنگی و آثار و شواهد فعالیت‌های فراملیتی و فرادینی علامه شرف‌الدین، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبایی، امام خمینی، شهیدبهبشتی، علامه محمدتقی جعفری و... اشاره نمود.

واقعیت این است که نگاه سازمانی (در مقابل رویکرد فردی) به امر پژوهش در شرایط امروزی عرصه تولید دانش در جهان، ضمن کمک به رشد کمی و توسعه و تعمیق کیفی پژوهش‌ها، مدیریت و راهبری نظام پژوهشی را نیز هوشمندانه و اثربخش‌تر ساخته است. به‌گونه‌ای که حتی از «گسترش فعالیت سازمانی در عرصه پژوهش» می‌توان به‌عنوان یک فرصت مهم یاد کرد. اما از سوی دیگر، یکی از آسیب‌ها و تهدیدهای جدی برای سازمان‌ها و مراکز پژوهشی و از جمله نهادها و مؤسسات دین‌پژوهی حوزوی و دانشگاهی، ضعف ارتباطات و همکاری‌های علمی با مراکز مشابه در گستره ملی و بین‌المللی است. تا جایی که حتی ضعف و ناکارآمدی این‌گونه ارتباطات و همکاری‌ها در واقع می‌تواند منجر به تهدید فلسفه وجودی آن مراکز شود.

با این توصیف، باید گفت علی‌رغم درخشش ارتباطات و همکاری‌های (فردگرایانه) مراکز دین‌پژوهی حوزوی و دانشگاهی در پیشینه علمی و پژوهشی کشور و همزمان با گسترش فعالیت‌های سازمانی مراکز و مؤسسات پژوهشی (به‌ویژه در عرصه دین‌پژوهی)، «چگونگی گسترش و تعمیق ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی مراکز دین‌پژوهی»، یک مسئله سیاستی جدی برای نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشور است. چرا که از یک‌سو، ظرفیت انسانی و فکری دین‌پژوهی کشور، ظرفیت قابل توجه و بالقوه مؤثری است که لازم است به فعلیت برسد و از سوی دیگر، اقبال و توجه به دین‌پژوهی در

مراکز علمی دنیا، به ویژه دانشگاه‌های غرب و در حوزه علوم انسانی رو به فزونی است^۱. این مقاله به‌سهم خود در صدد آن است که این مسئله کلیدی حوزه فرهنگ را واکاوی و صورت‌بندی نموده و یک چارچوب مفهومی برای شناخت راه‌حل‌های مطلوب جهت گسترش و غنابخشی به ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی مراکز دین‌پژوهی کشور ارائه نماید.

روش تحقیق

لازم است میان روش گردآوری داده‌ها و روش تحلیل و داوری تفاوت قائل شد. درخصوص شیوه گردآوری داده‌ها، علاوه بر استفاده از متون علمی و اسناد و مدارک سازمانی، از شیوه مصاحبه و گفتگو هم به‌صورت موردی استفاده شده است. اما در خصوص روش تحلیل و داوری نسبت به داده‌های گردآوری شده، با توجه به‌موضوع تحقیق و میان‌رشته‌ای بودن آن از یک‌سو و از سوی دیگر با عنایت به اینکه شناخت و طبقه‌بندی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در مدل‌سازی اقدام محوری تحقیق بوده است، لذا محقق تلاش کرده است از منطق و مبنای روشی و حداقل از منطق و ابزارهای روش کیفی مفهوم‌سازی بنیادی یا گراند تئوری^۲ استفاده نماید. گراند تئوری در ساده‌ترین شکل ممکن، عبارت‌است از فرایند ساخت یک چارچوب مفهومی از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها برای پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق (منصوریان، ۱۳۸۶). ضمن اینکه در تکمیل و تقویت مدل اولیه استخراج شده، از دیدگاه‌های ۱۴ نفر از اساتید و دانشجویان دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی استفاده کافی شده است.

چارچوب مفهومی کلان تحقیق

مدل سیاست‌گذاری

بدون آنکه بی‌جهت وارد معرکه آراء و دیدگاه‌ها در حوزه دانش سیاست‌گذاری شویم، به‌صورت ساده و ملموس و با بیان چند مفهوم کاربردی، مراد از عبارت «چارچوب سیاست‌گذاری» در عنوان مقاله به‌شرح ذیل تبیین می‌شود. یادآور می‌گردد، از آنجا که

۱. دومین حوزه مطالعاتی مهم و دارای اولویت مراکز مطالعات فرهنگی و اجتماعی ایران و جهان (به‌ویژه مراکز پژوهشی آمریکا و اروپا)، حوزه مطالعات دینی است (ادریسی، ۱۳۸۹).

2. Grounded Theory

موضوع همکاری‌های علمی در واقع از یک منظر در حوزه فرهنگ قابل طبقه‌بندی است، لذا بحث حاضر در واقع ذیل مفهوم سیاست‌گذاری فرهنگی مطرح و تبیین می‌شود.

۱. سیاست‌گذاری اصطلاحی عام است که علاوه بر دولت و بخش عمومی، در خصوص سازمان‌ها، نهادهای بخش خصوصی و حتی اشخاص حقیقی هم استفاده می‌شود (قلی‌پور و غلام‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳).

۲. در چرخه پنج مرحله‌ای سیاست‌گذاری، تبلور تلاش سیاست‌گذاران برای حل مسئله و رفع مشکل است. این چرخه شامل مراحل شناخت و صورت‌بندی مسئله، شناسایی راه‌حل‌ها، انتخاب و گزینش راه‌حل (اتخاذ تصمیم)، اجرا و ارزیابی می‌شود.

۳. اگر چه در نگاه فرآیندی به سیاست‌گذاری، ویژگی متدلورژیک آن نمایان می‌شود، اما باید تأکید شود که دانش سیاست‌گذاری، دانشی میان‌رشته‌ای است که در آن باید خود را از مطالعات محدود نهادها و ساختارهای سیاسی رها سازد و به آثار و یافته‌های رشته‌هایی مانند مطالعات فرهنگ، ارتباطات، جامعه‌شناسی، اقتصاد، حقوق و سیاست نیز توجه کند!

۴. با این توصیف، مراد از مدل‌سازی در سیاست‌گذاری، فراتر از فرآیندشناسی سیاست‌گذاری (به مفهومی که پیش‌تر اشاره شد) است. چرا که در این صورت، مدل‌سازی‌ها در سیاست‌گذاری، ارزش افزوده‌ای ایجاد نخواهند کرد.

۵. یکی از مسائل مهم در سیاست‌گذاری عمومی، سازماندهی عقاید، نظریه‌ها، مفاهیم و پیچیدگی‌هاست. با این سازماندهی در واقع به طراحی یک سامانه نظری می‌پردازیم که پیچیدگی‌های جهان خارج را ساده‌سازی کرده و به طراحی سیستمی یک سیاست در جهت حل یک مسئله می‌پردازد. این طراحی عملاً مدل‌سازی نامیده می‌شود (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

۶. مدل عبارت است از بازسازی، برداشت و تلخیصی از واقعیت که با ذکر ویژگی‌های اصلی آن، شناخت ما را از واقعیت موردنظر تسهیل می‌کند. در تعریفی دیگر مدل یک چارچوب مفهومی ایستا یا پویا قلمداد می‌شود که می‌تواند ما را در تشریح، پیش‌بینی، تجویز و بازسازی واقعیت یاری دهد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۷۹).

۷. بنابراین، مدل سیاست‌گذاری «گسترش و تعمیق ارتباطات و همکاری عرصه

۱. لاسول، سه ویژگی را برای سیاست‌گذاری برشمرده است: ۱. چندرشته‌ای است، ۲. به دنبال حل مسئله است، ۳. قویاً هنجاری است (دان، ۲۰۰۹).

دین‌پژوهی» به‌دنبال آن است که:

- ابعاد و مؤلفه‌های همکاری مشترک را شناسایی کند.
- نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی مرتبط با هر بعد را مرور کرده و عوامل مرتبط با آنها را استخراج نماید.
- نظام ارتباطی میان ابعاد و عوامل را تعیین کرده و آن را در قالب یک ساختار مفهومی نمایش دهد.
- چارچوب شناخت و انتخاب سیاست‌ها و اقدامات عملیاتی جهت گسترش همکاری‌های عرصه دین‌پژوهی را در اختیار قرار دهد.
- ملاحظات عملیاتی‌سازی را مطرح نموده و نیز امکان ارزیابی وضعیت موجود را فراهم نماید.

۶۷

همکاری‌های علمی

تعریف همکاری

همکاری یک فرآیند مشارکت‌جویانه است که از طریق کار با یکدیگر و برای دستیابی به اهداف موردنظر شکل می‌گیرد و سبب اشتراک چشم‌انداز، دستیابی به نتایج مثبت برای مخاطبان و ساختن یک سیستم وابسته جهت پرداختن به مسائل و فرصت‌ها می‌شود. همکاری در واقع به‌دنبال ایجاد فضای حمایتی جهت حل سیستماتیک مسائل موجود یا حادث است که حل آنها به تنهایی توسط طرفین میسر نباشد.

عوامل مؤثر در همکاری^۱

شکل‌گیری یک همکاری موفق در گرو عوامل متعدد ساختاری، محیطی و رفتاری است که از جمله مهم‌ترین آنها به قرار ذیل هستند. در این بخش این عوامل به اشاره معرفی شده و چارچوب مفهومی تحقیق تعیین می‌شود. در ادامه و در بخش تدوین تفصیلی مسائل و راهبردها، با بهره‌گیری از نظریه‌های مرتبط در حوزه محیط‌شناسی راهبردی، ارتباطات و مدیریت راهبردی، عوامل اصلی به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Collaboration

۲. کارول لوکاس و ربکا اندریوز، با بررسی سوابق ۵۰ همکاری، نتایج مطالعه خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «Four Keys to Collaboration Success» منتشر کردند. در این مقاله همچنین، عوامل مؤثر در همکاری شناسایی و در شش گروه دسته‌بندی شده است.

۱. هدف^۱: هدف‌گذاری همکاری از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تداوم همکاری است. برای این منظور تأکید شده است که اهداف باید ملموس، قابل حصول و مبتنی بر چشم‌انداز مشترک تعیین و تعریف شوند. برای این منظور، همکاری باید بر ظرفیت‌افزایی، ارتباطات و بهره‌وری متمرکز باشد. به‌گونه‌ای که در نهایت، منجر به بهبود نتایج و پیامدها گردد^۲.

۲. شرایط محیط^۳: تحلیل محیط مقوله نسبتاً پیچیده‌ای است. در واقع به‌تناسب موضوع و مؤلفه‌های دخیل در همکاری، انتخاب رویکرد راهبردی مناسب جهت تحلیل محیط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. ارتباطات^۴: الگوی برقراری ارتباطات از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساماندهی و توسعه همکاری‌های مشترک است. درجه رسمیت ارتباطات، کانال‌های ارتباطی و مکانیزم‌های برقراری ارتباط از جمله مؤلفه‌های قابل توجه‌اند که همگی در گرو تعیین رویکرد مناسب برای این منظور است. این موضوع در ادامه به‌صورت تفصیلی بررسی خواهد شد.

۴. ویژگی اعضا^۵: روحیات و ویژگی‌های طرفین نیز از عوامل مهم در شکل‌گیری و توفیق همکاری مشترک است. به‌ویژه اینکه این عامل از ماهیتی انسانی برخوردار است. اعتماد و رفتار اخلاقی، تناسب سطح اعضا، علائق اعضا و روحیه مصالحه، نمونه‌هایی از این ویژگی‌هاست.

۵. ساختار و فرآیند^۶: از جمله عوامل سخت‌افزاری دخیل در همکاری مشترک، ساختار و فرآیند همکاری است. در این مقوله به تسهیم سهم میان اعضا در روند همکاری و نتایج آن، انعطاف‌پذیری، شفافیت نقش‌ها، سازگاری و گام‌های توسعه مناسب همکاری توجه می‌شود.

۶. منابع^۷: بودجه، زمان، تجهیزات و توانمندی‌های انسانی از جمله منابع مهم برای همکاری مشترک محسوب می‌شوند.

چیستی همکاری علمی

همکاری‌های علمی که از خصوصیات اصلی نظام‌های پژوهشی جدید محسوب می‌شود،

1. Purpose
2. <http://www.hunter.cuny.edu/socwork/nrcfcpp/pass/learning-circles/five/LearningCircle-FiveResources.pdf>
3. Environment
4. Communication
5. Membership Characteristics
6. Process & Structure
7. Resources

امروز در میان مراکز مطالعاتی معتبر جهان بسیار شایع و فراگیر شده است. به‌گونه‌ای که به‌هیچ عنوان نمی‌توان این نوع از همکاری‌ها را محصور در مرزهای جغرافیایی و دانشی خاصی دانست. جالب توجه است که در میان تعاریف ارائه‌شده برای همکاری علمی نیز، ویژگی‌های پیش‌گفته قابل رصد و انطباق است. از جمله در تعریف ذیل (حسن‌زاده و بقایی، ۱۳۸۸: ۴۴):

همکاری علمی: فعالیت مشارکتی تعریف‌شده، مشخص، واقعی و برنامه‌ریزی شده میان دو یا چند متخصص و پژوهشگر یا دو یا چند گروه از متخصصان و پژوهشگران که با هدف مشترک، به خلق و تولید دانش جدید و توسعه دانش فعلی می‌پردازند. همکاری علمی در بسیاری از موارد منجر به تولید آثار علمی مانند کتاب، مقاله، طرح پژوهشی و نظایر آن می‌شود.

بنا به تعریف فوق، همکاری علمی و پژوهشی نوع خاصی از همکاری محسوب می‌شود که در ابعاد مختلف، ویژگی‌های خاص خود را دارد که از آن جمله به‌موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

- هدف‌مندی: خلق دانش جدید و توسعه دانش فعلی؛ البته برای این هدف غایی، اهداف فرعی نیز شمرده شده است که عبارت‌اند از:

- افزایش کیفیت کار پژوهشگران همکار و گروه‌های پژوهشی؛
- تبادل دانش و فناوری علمی؛
- فراهم شدن امکان دسترسی به مهارت‌های جدید و ایده‌های نو؛
- امکان انجام فعالیت‌های علمی گسترده از طریق به اشتراک‌گذاری منابع (نیروی انسانی، بودجه و ...)
- افزایش تعداد مراجعه‌کنندگان به اثر و میزان تأثیر آن (به‌دلیل تنوع مخاطبان هر یک از مشارکت‌کنندگان)

- مشارکت: به اشتراک‌گذاری ظرفیت‌های فکری و علمی؛

- ویژگی‌های طرفین همکاری: افراد یا گروه‌های متخصصان و پژوهشگران؛

- و ساخت‌مندی: واقعی و برنامه‌ریزی شده.

ابعاد ارتباطات و همکاری علمی و پژوهشی

بر اساس آنچه پیرامون مفهوم‌پردازی همکاری از یک‌سو و بیان مسئله از سوی دیگر

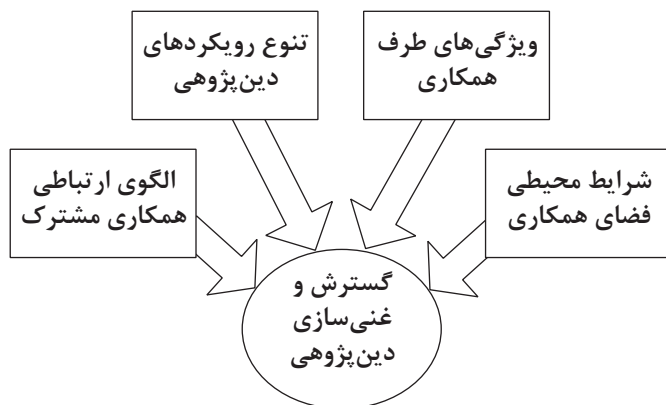
مطرح گردید، در جدول ذیل سعی شده ابعاد ارتباطات و همکاری علمی و پژوهشی ارائه شود:

جدول ۱: ابعاد مسئله توسعه همکاری‌های علمی و پژوهشی

عامل مؤثر	شرح مفهوم	مؤلفه‌های مورد نظر در این تحقیق
هدف	همان‌طور که اشاره شد، همکاری علمی ناظر به هدف خلق دانش جدید و توسعه دانش فعلی است. طبعاً شناخت و گسترش نقاط مشترک و نیز ورود به عرصه‌های جدید دین‌پژوهی در همین راستا قابل تفسیر است.	گسترش و غنی‌سازی دین‌پژوهی
ساختار و فرآیند	در این مؤلفه، فرآیند و ساختار ارتباطی همکاری مورد توجه قرار می‌گیرد که در این خصوص، ساختارهای شبکه‌ای (شبکه‌های اجتماعی نخبگان) از رویکردهای نوین ساختاری محسوب می‌شوند. لذا در چارچوب مورد نظر این گزارش، این مؤلفه با مؤلفه ارتباطات ادغام شده است.	الگوی ارتباطی همکاری مشترک
ارتباطات	ضرورت توجه به مؤلفه‌های زبانی و مکاتب فکری.	
طرفین همکاری	تنوع کشورها و تنوع و تفاوت مراکز پژوهشی طرف همکاری، عامل مهمی است که در تنظیم رابطه همکاری نباید نادیده انگاشته شود. علاوه بر ظرفیت‌های فکری اندیشه‌ای طرفین همکاری، فرهنگ پژوهشی، روحیات و ویژگی‌های رفتاری طرفین نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.	ویژگی‌های طرف همکاری
شرایط محیطی	شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، از عوامل مؤثر بر نحوه شکل‌گیری همکاری‌ها است. الگوی شناخت این شرایط، به تناسب اینکه محیط را چه بدانیم، متفاوت خواهد بود. چیستی محیط و الگوی بررسی آن به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.	شرایط محیطی فضای همکاری
منابع	منابع انسانی، اطلاعاتی و منابع مالی از عوامل مؤثر در توفیق همکاری‌هاست. در این تحقیق، منابع مالی ذیل شرایط محیطی قرار گرفته است. اما از نظر نگارنده، مهم‌ترین منبع مؤثر در همکاری‌های علمی، ظرفیت‌های انسانی و دانشی (ظرفیت‌های دین‌پژوهی) است. لذا در این تحقیق، به‌طور خلاصه از آن، تحت عنوان «رویکردهای دین‌پژوهی» نام برده شده است.	رویکردهای دین‌پژوهی

۷۰

با تحلیل مفهومی و جمع‌بندی مباحث پیش‌گفته، چارچوب مفهومی مورد استفاده در این تحقیق به شرح تصویر ذیل قابل ارائه است:



نمودار ۱: چارچوب مفهومی کلان تحقیق

چارچوب مفهومی کلان تحقیق

بر این اساس، هدف همکاری مشترک مراکز دین‌پژوهی با مراکز علمی و پژوهشی خارج از کشور تحت عنوان «گسترش و غنی‌سازی مطالعات دینی» مشخص شده است و با توجه به مؤلفه‌های مؤثر در همکاری، چهار بعد و منظر برای بررسی و راهبردپردازی در جهت تحقق این هدف لحاظ شده است که عبارت‌اند از:

۱. شرایط محیطی فضای همکاری

۲. تنوع رویکردهای دین‌پژوهی

۳. ویژگی‌های طرف همکاری

۴. الگوی ارتباطی همکاری مشترک

در ادامه با بررسی تفصیلی هر یک از ابعاد کلان چهارگانه تلاش می‌شود مضامین و مؤلفه‌های مسئله کلان پیش‌گفته به‌صورت تفصیلی صورت‌بندی شود. نتایج بررسی‌ها در هر محور، در نهایت در قالب جداول جمع‌بندی و ارائه می‌شود.

اول: شناخت مؤلفه‌های تحلیل محیط همکاری

ویژگی‌ها و شرایط محیط، از ابعاد بسیار مهمی است که حتی در تئوری‌های مدیریت و سازمان نیز رویکردها و دیدگاه‌های متنوعی بدان پرداخته‌اند. همچنین در پردازش و تدوین استراتژی (راهبردپردازی) نیز تقریباً اغلب مکاتب و دیدگاه‌ها بر این نکته تأکید دارند که نمی‌توان و نباید محیط و عوامل محیطی تأثیرگذار بر سازمان را نادیده انگاشت.

بر این اساس، در ادامه ضمن مرور اجمالی تعاریف گوناگونی که از محیط سازمان‌ها ارائه شده است و با لحاظ اقتضائات همکاری‌های علمی و پژوهشی، رویکرد پیشنهادی این گزارش برای شناخت سازمان‌ها و مؤسسات دین‌پژوه از محیط همکاری‌های علمی در فضای بین‌الملل معرفی می‌گردد.

چیستی محیط سازمانی

به تناسب نوع نگاه به محیط، تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. بر این اساس، مدرنیست‌ها، تفسیری‌ها و پست‌مدرن‌ها، اظهارنظرهای متفاوتی نسبت به چیستی محیط دارند (دانایی فرد، ۱۳۸۵: ۱۵۵-۱۰۹).

از منظر مدرنیست‌ها، محیط سازمانی، به عنوان موجودیتی که خارج از مرزهای سازمان قرار دارد، مفهوم‌سازی شده و چگونگی تأثیر محیط بر سازمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از این دیدگاه، انطباق سازمان با محدودیت‌ها و الزامات محیطی، بهای ادامه حیات آن است. از همین زاویه، محیط‌های سازمانی نوعاً بر اساس عناصر شکل‌دهنده آنها تعریف می‌شوند. تأمین‌کنندگان، خدمت‌گیرندگان، رقبا و همکاران و معارضان، از جمله عناصر شکل‌دهنده محیط هستند. از منظر دوم، تفسیری‌های نمادین، محیط را نوعی ساخت اجتماعی تصور می‌کنند یعنی محیط‌ها، نوعی سازه‌هایی نظری، تصور می‌شوند که بر اساس باورهای مدیران و کارکنان سازمان، شکل گرفته است و از طریق انتظاراتی که بر مبنای این باورها بروز می‌کنند، قوام می‌یابند. از این دیدگاه محیط‌ها تبعات مادی دارند. اما اساساً نمادین‌اند و اهمیت محیط‌ها در گرو تفسیرهایی است، که در سازمان از آنها صورت می‌گیرد. در منظر سوم اما، پست‌مدرن‌ها بر زیر سؤال بردن محیط و مرز بین سازمان و محیط تمرکز دارند و در این راستا ایده سازمان بدون مرز را، مطرح می‌کنند و از شکل‌های جدید سازمانی نظیر مدل شبکه‌ای و سازمان مجازی سخن به میان می‌آورند.

تئوری‌های روابط سازمان - محیط^۱

در سیر تکاملی درک روابط سازمان و محیط دو دوره تکاملی برجسته وجود داشته است. نخستین دوره در گستره زمانی اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ رخ داد، زمانی که مفهوم محیط از طریق بسط تئوری سیستم‌ها در قلمرو تحلیل سازمانی معرفی شد. نظریه پردازان سیستم ایده‌ای را ارائه کردند که بر اساس آن، سازمان نسبت به محیط،

باز تصور می‌شد. دوره نخست به مفهوم‌سازی محیط و اثبات اهمیت مفهوم جدید سپری شد. در این دوره مطالعه محیطی در تئوری سازمان، چارچوب اقتضایی برای تفکر در مورد روابط سازمان - محیط را شکل داد.

- تئوری اقتضایی سازمان‌های ارگانیکی

در محیط‌های به‌شدت در حال تغییر، سازمان‌ها به انعطاف‌پذیری نیاز دارند و کارکنان تشویق می‌شوند تا مهارت‌های خود را در جاهایی که نیاز است، به‌کار برند و مهارت‌ها را با الگوهای کاری در حال تغییر به هر طریقی که مفید می‌یابند، سازگار و متناسب سازند. تئوری پردازان مدرنیست این سازمان‌ها را به‌عنوان سازمان‌های ارگانیک توصیف می‌کنند، زیرا مانند دیگر موجودات زنده خود را با شرایط متغیر سازگار می‌سازند. سازمان‌های ارگانیک در مقایسه با سازمان‌های ماشینی از نظر تخصصی‌بودن، رسمیت، سلسله‌مراتب در حد پایینی قرار دارند. در این سازمان‌ها ارتباطات افقی و مورب بیشتری به‌چشم می‌خورد. دوره دوم در اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و تاکنون ادامه دارد و فرض تأثیرگذاری محیط پذیرفته شده است و محور توجه بر شیوه‌های ایجاد تأثیرگذاری متمرکز است. سه تئوری مهم روابط سازمان - محیط که در دوره دوم شکل گرفته‌اند عبارت‌اند از:

- تئوری وابستگی به منابع (پفر و سالانیک، ۱۹۸۸)

سازمان‌ها منابع مورد نیاز خود (اعم از منابع مالی، منابع انسانی، منابع اطلاعاتی و...) را از محیط تأمین می‌کنند. لذا این نیازمندی، نوعی وابستگی به محیط نیز ایجاد می‌کند. به‌تناسب میزان این وابستگی، محیط بر سازمان اثرگذار است. این تئوری در واقع بر آن است که بگوید سازمان چه راهبردهایی اتخاذ نماید تا بتواند این وابستگی را مدیریت کند. از سوی دیگر، محیط هم با در اختیار داشتن منابع، قدرت تأثیر بر سازمان را در اختیار دارد. بنابراین مفهوم محوری در این تئوری، درک روابط قدرت - وابستگی بین محیط و سازمان است. به‌گونه‌ای که سازمان باید با ردیابی و تحلیل منابع مورد نیاز خود در محیط، رابطه مذکور را مدیریت نماید. این تئوری، تحلیل منابع را بر اساس دو عامل دانسته است، که عبارت‌اند از:

- حیاتی بودن (برآورد میزان اهمیت یک منبع خاص)

- کمیاب بودن (برآورد میزان در دسترس بودن منابع در محیط)

سازمان با درک دقیق شبکه سازمانی از نظر حیاتی‌بودن و کمیابی منابع و یافتن

راه‌هایی برای رهایی از وابستگی یا وابسته کردن دیگر نقش‌آفرینان محیطی به سازمان می‌تواند رابطه خود با محیط را به‌نفع سازمان مدیریت نماید.

– تئوری اکولوژی جمعیت سازمانی (هانان و فریمن، ۱۹۸۴)

در تئوری قبلی، از درون سازمان به محیط نگریسته می‌شد. هرگاه از محیط به سازمان (ها) توجه شود، همواره می‌توان گروهی از سازمان‌ها را یافت که در بخش مشخصی از منابع با هم رقابت می‌کنند. به‌عنوان مثال مراکز حوزوی دین‌پژوه را که مولد دانش و منابع اطلاعات اسلامی بوده و محل رجوع و دسترسی مراکز علمی دیگر (مانند دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارج از کشور) به منابع مذکورند، می‌توان به‌عنوان جمعیت سازمانی خاص تعریف و شناسایی کرد.

بر اساس این تئوری، محیط از میان سازمان‌های هم‌سنخ که منبع (یا منابع) خاصی را تأمین می‌نمایند، آنهایی را که به‌نحو مطلوب‌تری عمل کنند، را برای بقاء گزینش می‌کند. به‌عبارت دیگر فرایندهای «شکل‌گیری، گزینش و حفظ» مؤلفه‌های اصلی تئوری بوم‌شناسی جمعیت سازمانی را شکل می‌دهند.

– تئوری نهادی (سلزنیک، ۱۹۹۶)

محیط‌ها به دو طریق می‌توانند تقاضاهایی بر سازمان تحمیل کنند:

۱. تقاضاهای فنی و اقتصادی.

۲. تقاضاهای فرهنگی و اجتماعی.

بر این اساس، به رسمیت شناختن عوامل اجتماعی و فرهنگی محیط بر سازمان‌ها مورد تأکید تئوری نهادی است. نفوذهای قانونی و سیاسی، نفوذهای فرهنگی و نفوذهای اجتماعی باعث می‌شوند کنش‌ها و اقدامات تکرار شوند. در نگاه نهادی محیط به‌عنوان بستری تصور می‌شود که دیدگاه کم و بیش مشترکی از آنچه سازمان‌ها باید به آن شباهت داشته باشند و چگونه باید رفتار کنند ارائه می‌دهد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت، تئوری نهادی، مشروعیت اجتماعی را به فهرست منابع ورودی (در مدل سیستم‌های باز سازمان) می‌افزاید. سازمان‌ها نه‌تنها به مواد اولیه، سرمایه، نیروی کار، دانش و تجهیزات نیاز دارند، بلکه به پذیرش جامعه نیز نیازمندند.

در به‌کارگیری تئوری نهادی در تحلیل یک سازمان خاص باید چگونگی سازگار شدن سازمان با شرایط نهادی را مورد توجه قرار دهیم. برای نمونه مآخذ تأثیرگذار (نظیر مؤسسه‌های قانون‌گذاری، قوانین، انتظارات اجتماعی و فرهنگی) و انواع فشار نهادی (نظیر

اجباری، هنجاری و تقلیدی) که از طرف محیط بر سازمان اعمال می‌شود باید تحلیل شود. در مجموع، بر اساس آنچه در این بخش ارائه شد، باید گفت:

۱. محیط همکاری مراکز دین‌پژوهی با مراکز علمی خارج از کشور را باید به‌عنوان یک واقعیت عینی (و نه ذهنی) در نظر گرفت. البته اگر چه نوع نگاه مدیران مراکز دین‌پژوهی در ساماندهی این همکاری را نمی‌توان و نباید نادیده انگاشت. بنابراین بر پایه تئوری‌های پیش‌گفته باید عوامل کلیدی شناخت تأثیر متقابل محیط همکاری احصاء و استقرا شود.

۲. از آنجا که نگاه تئوری‌ها به نوع برخورد سازمان با محیط را در پیوستاری از برخورد منفعل تا برخورد فعال می‌توان طبقه‌بندی کرد، لذا به تناسب مسئله تحقیق (که ناظر به اثرگذاری مراکز دین‌پژوهی در مراکز علمی خارج از کشور است)، نباید از موضع انفعالی صرف به شناخت محیط پرداخت.

۳. بی‌تردید هر یک از تئوری‌های شناخت نسبت سازمان - محیط، از دریچه‌ای خاص به این مهم پرداخته‌اند و نباید از قوت هر یک از مناظر تئوری‌های معرفی شده غافل شد. بنابراین عوامل کلیدی شناخت محیط را با لحاظ همه تئوری‌ها به صورت ذیل می‌توان ساختاربندی کرد:

جدول ۲: مناظر و مؤلفه‌های شناخت محیط همکاری

مؤلفه‌های محیط‌شناسی	مضمون شناخت	منظر شناخت
۱. نظام مدیریت در مراکز پژوهشی حوزه	اقتضانات سازمانی	تئوری اقتضایی
۲. ظرفیت و توان‌مندی انسانی مراکز پژوهشی ۳. شرایط اقتصادی و تأمین منابع مالی	منابع کلیدی	تئوری وابستگی منابع
۴. شبکه‌های همکاری مراکز دین‌پژوه	الگوی همکاری درونی	تئوری بوم‌شناسی
۵. فرهنگ محیط پژوهشی حوزه ۶. عوامل سیاسی امنیتی محیط	فشارهای نهادی	تئوری نهادی

دوم: رویکردهای دین‌پژوهی و تأثیر آن در همکاری مشترک

این بخش از مباحث، دقیقاً ناظر به هدف کلان همکاری می‌باشد. به عبارت دیگر ناظر به غنی‌سازی مطالعات و تحقیقات دینی (دین‌پژوهی) است. در این صورت باید دید، مراد از دین‌پژوهی چیست و ابعاد و مؤلفه‌های آن کدام‌اند و چه تأثیری بر ساماندهی و توسعه

همکاری‌های علمی مشترک مراکز دین‌پژوهی و مراکز علمی خارج از کشور دارد؟ تلاش نگارنده در این بخش معطوف به شناسایی و معرفی این ابعاد و مؤلفه‌هاست.

چیستی دین‌پژوهی

دین‌پژوهی از حیث مفهوم، قلمرو و روش‌شناسی محل تضارب آراء صاحب‌نظران است. در این مجال به‌صورت گذرا، برخی تعاریف دین‌پژوهی را مرور می‌کنیم.

- دین‌پژوهی، عنوانی است عام برای مجموعه‌ای از رشته‌ها و شاخه‌های علمی و معرفتی، که همگی درباره دین بحث می‌کنند و هر یک از منظری خاص به بررسی ابعاد دین می‌پردازند. دین‌پژوهی، دانش‌هایی چون فلسفه دین، الهیات (کلام) و زیررشته‌هایی همچون روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی و مانند آن را در برمی‌گیرد. ویژگی‌های موضوعی یا روش‌شناختی هر یک از این دانش‌ها، قلمرو تحقیق و پژوهش آن را مشخص می‌سازد و آن را از سایر دانش‌های مربوط به دین جدا می‌کند. به بیان دیگر، رشته‌ها و شعبه‌های مختلف دین‌پژوهی یا رهیافت‌های گوناگون در دین‌پژوهی، هر یک ناظر به بعدی از ابعاد دین است و از همان بعد خاص، دین را مورد بررسی قرار می‌دهند. بنابراین، دین‌پژوهی یعنی تحقیق و پژوهش نظری پیرامون ماهیت و ابعاد دین و شناسایی و شناساندن آن (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۹۰).

- دین‌پژوهی عبارت است از رشته‌های مختلفی که با روش‌های گوناگون به تحقیق، مطالعه و بررسی ابعاد مختلف دین می‌پردازد. با توجه به اینکه ادیان و به‌خصوص دین اسلام، مشتمل بر ابعاد گوناگون عقیدتی، فقهی و حقوقی، فردی، اجتماعی، تربیتی و سیاسی‌اند (خسروپناه، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

- برخی صاحب‌نظران هم علوم دین‌شناسی را به‌حسب نگاه استقلالی یا تحویلی به دین، تعریف کرده‌اند.^۱ البته گاهی هم تفاوت این دو نگاه به‌نام سنتی و جدید نام‌گذاری شده است. با نگاه تحویلی، علوم مانند روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین در حوزه دین‌پژوهی قرار گرفته‌اند از سوی دیگر، با نگاه سنتی، کلام، فقه و اخلاق حوزه‌های دین‌پژوهی تعریف شده است.

- برخی تعاریف دیگر، مبنا را بر هدف دین‌پژوهی قرار داده‌اند. بر این اساس، دین‌پژوهی حوزه‌های دانشی زیر را در برمی‌گیرد (ظهیری، ۱۳۸۱).

۱. دیدگاه‌های میرچا الیاده، دین‌پژوه نامدار رومانیایی (۱۹۸۶-۱۹۰۷) در این زمینه قابل توجه و استفاده است.

- علمی که غایت‌شان، یافتن خود دین است (امراد پژوهش‌هایی است که ناظر به شناخت متون و منابع دینی باشد) مانند علم اصول و علم رجال).

- علمی که غایت‌شان معرفت دینی برای تبیین گزاره‌های صدق و کذب‌پذیر دین است (مانند پژوهش‌های فلسفی و کلامی).

- علمی که غایت‌شان معرفت دینی برای کاربست گزاره‌های دین در زندگی است (امراد پژوهش‌هایی است که ناظر به شناخت آموزه‌های دینی در جهت حل مسائل عرصه زندگی باشد) مانند اخلاق و فقه).

- علمی که غایت‌شان بررسی آثار دین است (امراد پژوهش‌هایی است که ناظر به اثرسنجی و پیامدشناسی دین باشد) مانند روان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین). به‌نظر نگارنده، در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، دین‌پژوهی مجموعه فعالیت‌های علمی و پژوهشی است که به‌توصیف، تبیین و تعمیق شناخت دین در یکی از حوزه‌های ذیل می‌پردازد:

۱. چیستی دین

۲. پاسخ‌یابی نیازهای زندگی بشر از منظر دین

۳. رفتارشناسی دینداران (در سطح فردی و جمعی)

چگونگی دین‌پژوهی (روش‌شناسی در دین‌پژوهی)

روشن است که هر پژوهشی، از روش یا روش‌های مشخصی باید استفاده کرده و بر اساس آن به شناخت و گردآوری منابع و سپس تحلیل و نقد و فهم موضوع مورد مطالعه بپردازد. نقش روش همچنین تا مرحله دستیابی به نتیجه که یک رهیافت عملی و یا نظریه‌پردازی پیرامون مسئله پژوهش است، استمرار دارد.

اما، روش‌شناسی غیر از روش است. روش مسیری است که دانشمند در سلوک علمی خود طی می‌کند و روش‌شناسی دانش دیگری است که به شناخت آن مسیر می‌پردازد. روش همواره در متن حرکت فکری و تلاش‌های علمی یک دانشمند قرار دارد. و روش‌شناسی دانشی است که از نظر به آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل روش‌شناسی همواره یک دانش و علم درجه دوم است (پارسانیا، ۱۳۸۹: ۶۲).

با این توصیف، باید گفت در این نوشتار، طبعاً درصدد یافتن روش مناسب در دین‌پژوهی نخواهیم بود. همچنین ورودی هم به بررسی و شناخت یک روش

خاص نداریم. اما به حسب موضوع بحث، نگاهی به معرکه رویکردها و روش‌ها در عرصه دین‌پژوهی خواهیم داشت تا مشخص شود روش، چگونه در ساماندهی و توسعه همکاری‌های بین‌المللی در حوزه دین‌پژوهی تأثیرگذار خواهد بود. به عبارت دیگر نوعی روش‌شناسی کلان مؤثر بر همکاری‌های علمی در حوزه دین‌پژوهی مدنظر است.

بنابراین، در اینجا، علاوه بر بعد معرفت‌شناختی که اساساً در هر روش‌شناسی‌ای باید مدنظر باشد، به زمینه‌های وجودی غیرمعرفتی (عوامل فرهنگی و اجتماعی) دین‌پژوهی نیز باید توجه شود. به‌ویژه اینکه در فضای همکاری‌های علمی همواره شاهد تبادل و هجرت یافته‌ها و نظریه‌ها میان دو سوی همکاری هستیم.

در ادامه و در حد حوصله این مقاله، اجمالی از دیدگاه‌های مختلف ذیل مباحث روش‌شناختی دین‌پژوهی مرور می‌شود:

تنوع آراء و رویکردها در این عرصه قابل توجه است. این تنوع، البته منحصر به جهان اسلام نبوده و در میان دین‌پژوهان مسیحیت نیز پیشینه قابل مطالعه‌ای دارد. اختلاف رویکردها در میان دین‌پژوهان مسلمان نیز قابل توجه است. چنانکه در این زمینه می‌توان از ظاهرگرایی صرف اشاعره و اخباریون در برابر عقل‌گرایی افراطی معتزله و برخی فلاسفه و متکلمان اسلامی و نیز باطن‌گرایی افراطی متصوفه نام برد (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۹۰).

گروهی از نویسندگان، دین‌پژوهی را به تحلیلی و غیرتحلیلی تقسیم کرده‌اند: دین‌پژوهی تحلیلی، هرگونه رویکرد عقل‌گرا به دین است؛ رویکردی که در پژوهش‌های دینی اصالت را از آن عقل می‌داند و خرد آدمی را خواه به صورت منبع و خواه به‌مثابه روش، اصلی‌ترین ابزار تحلیل و تعریف مفاهیم دینی و کشف، توجیه (اثبات) و تبیین گزاره‌های دینی به‌شمار می‌آورند. دین‌پژوهی تحلیلی به این معنا در مقابل رویکردهای بدیلهی همچون رویکرد نقلی (متکی بر متن دینی)، رویکرد ذوقی - عرفانی (متکی بر شهود)، رویکرد تجربی (متکی بر دانش‌های تجربی)، رویکرد پدیدارشناسانه (متکی بر اعمال روش‌های پدیدارشناختی در حوزه دین‌شناسی) و... قرار می‌گیرد. علاوه بر به‌کارگیری روش عقلی، فعالیت‌هایی چون تحلیل مفاهیم، جهت‌دستیابی به تعاریف دقیق و منطقی آنها و نیز تحلیل جمله‌ها برای کشف ساختار منطقی و زبان‌شناختی آنها، وجه تسمیه تحلیلی را تأمین می‌کند (خسروپناه، ۱۳۸۶).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دیدگاه‌های فوق، روش در دین‌پژوهی را از منظر روش شناخت متون دینی (روش مراجعه و کشف متون دینی) مورد بررسی قرار داده است. متن دینی را در معنای وسیع، شامل کتب مقدس (وحی)، گفتارها و رفتارهای حاملان وحی و اولیای الهی (روایات و سیره) دانسته‌اند. در مباحث روش‌شناسی، سؤالات مهمی از جمله اینکه چگونه می‌توان متون دینی را شناخت؟ نقش و جایگاه عقل در این شناخت چیست؟ و... مطرح است.

اما منظر دیگر برای بررسی روش دین‌پژوهی وجود دارد که «زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی» را مبنای شناخت و تحلیل قرار داده و از این زاویه به روش‌شناسی دین‌پژوهی می‌پردازد، به این معنی که واقعیت‌های بیرونی زندگی فردی و اجتماعی چه نسبتی با دین‌پژوهی برقرار می‌کند. از این منظر نیز جریان‌های فکری گوناگونی شناسایی و طبقه‌بندی شده است. اغلب صاحب‌نظرانی که جریان‌های فکری ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند، مبنای «سنت - تجدد» و انشعابات ناشی از تقابل آن دو را برگزیده‌اند (رک: پارسانیا، ۱۳۹۲؛ صادقی‌رشاد، ۱۳۸۲؛ سبحانی، ۱۳۸۵ و خسروپناه، ۱۳۸۸). بر این اساس، جریان‌های دین‌پژوهی در ایران، در گروه‌هایی مانند جریان سنتی، جریان متجدد، جریان مجدد، جریان تمدن‌گرا و... طبقه‌بندی شده‌اند. هر یک از این جریان‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارند. از جمله اینکه روش دین‌پژوهی هر یک از این جریان‌ها متفاوت از دیگری است. حتی درون هر جریان شقوق مختلفی قابل شناسایی است که هر یک موضع خاص خود را در دین‌پژوهی دارند (رک: بهمنی، ۱۳۹۲).

در مجموع، با نگاهی بر آراء مطرح‌شده در این زمینه، نگارنده دو منظر و محور کلان روش‌شناختی را در موضوع گسترش همکاری‌های علمی حوزه دین‌پژوهی، مؤثر و قابل بررسی می‌داند که عبارت‌اند از:

۱. مبنای روش‌شناختی در مراجعه به متون دینی و استنتاج و برداشت از آنها (مبنای و اصول کشف و استنباط متون دینی).

۲. مبنای روش‌شناختی در ارجاع واقعیت‌های خارجی به دین (نسبت‌سنجی میان دین و مسائل زندگی).

بر اساس رویکردها و مطالبی که در این زمینه ارائه گردید، مؤلفه‌هایی نیز ذیل هر منظر قابل استقرا است که در جدول زیر منعکس شده است:

جدول ۳: مضامین و مؤلفه های روش شناختی مؤثر در گسترش همکاری های علمی عرصه دین پژوهی

مؤلفه روش شناختی	مضمون
۱. جایگاه وحی و نقل در دین پژوهی ۲. نقش عقل (و علوم بشری) در دین پژوهی	روش مراجعه، تحلیل و استنباط متون دینی
۳. نسبت سنجی دین و زندگی بشری در دین پژوهی ۴. گذشته گرایی یا آینده نگری در دین پژوهی	روش ارجاع مسائل اجتماعی به دین

سوم: ویژگی های طرف همکاری

همان طور که قبلاً بیان شد، همکاری علمی در واقع به اشتراک گذاری توانمندی ها جهت خلق دانش است. طبعاً شناخت درست موقعیت و ظرفیت طرف همکاری، نقش مهمی در ساماندهی ارتباط و همکاری خواهد داشت. همچنین از سوی دیگر، توجه به وجوه تفاوت طرف همکاری اعم از تفاوت های فرهنگی، زبانی، جغرافیایی و نیز تفاوت نگرش ها و مکتب فکری هم ضروری است. البته روشن است که وجوه افتراق لزوماً نباید منفی تلقی شود بلکه مهم این است که خوب شناخته شده و مورد لحاظ قرار گیرد. ابعاد گوناگون ویژگی های طرف همکاری را به شرح ذیل می توان صورت بندی کرد:

جدول ۴: ابعاد ویژگی های طرف همکاری مؤثر در گسترش همکاری های علمی عرصه دین پژوهی

مؤلفه قابل توجه	مضمون
۱. پیشینه و ظرفیت های علمی ۲. اهداف و راهبردهای علمی	ویژگی های علمی (تحولات فکری عرصه بین الملل در حوزه دین پژوهی)
۳. فرهنگ و زبان	ویژگی های رفتاری

چهارم: الگوی ارتباطی در توسعه همکاری مشترک

علاوه بر نگاهی گذرا و کلی به مؤلفه های مفهومی ارتباطات، سعی بر این است تا عواملی که ذیل این مفاهیم دخیل در توسعه همکاری های هستند، شناسایی شوند. در همین رابطه، سؤالاتی از این دست قابل توجه اند:

- ماهیت ارتباطات علمی چیست و چه مؤلفه هایی را در برمی گیرد؟
- شیوه ها و ساز و کار برقراری ارتباط در این نوع همکاری ها و به ویژه با لحاظ ویژگی های

طرفین همکاری، کدام‌اند؟

- کدام‌یک از نظریه‌های ارتباطات، مبنای مناسبی جهت الگوسازی ارتباطات علمی تلقی می‌شود؟

اگرچه تعاریف متنوع و متکثری در حوزه علوم ارتباطات مطرح شده است ولی چند مؤلفه مشترک در اغلب تعاریف ارتباط وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. پیام (و در برخی تعاریف معنی)

۲. فرستنده

۳. گیرنده

۴. حامل (کانال انتقال یا تبادل)

هر یک از این مؤلفه‌ها وجود نداشته باشند، پیامی مبادله نشده و در نتیجه ارتباطی

برقرار نمی‌شود.

۸۱

عرصه تضارب آراء در خصوص چیستی ارتباط

به تناسب اینکه کانون تمرکز تعاریف بر فرستنده یا گیرنده (مخاطب) بوده و هر یک چه رفتاری داشته باشند مکاتب مختلفی در این حوزه از علوم بروز و ظهور یافته است. یکی از کلی‌ترین طبقه‌بندی‌ها، طبقه‌بندی جان فیسک^۱ نسبت به چیستی ارتباط است که به این شرح قابل ارائه است:

جدول ۵: مقایسه دو مکتب کلان در تعریف ارتباط

حوزه علمی	مؤلفه مورد توجه	چیستی ارتباط	
علوم اجتماعی	فرستنده	انتقال پیام	مکتب انتقال
علوم زبان‌شناسی	گیرنده	تولید و مبادله معنی	مکتب مبادله

با این وصف، عرصه تضارب آراء در تعریف ارتباط، عرصه‌ای گسترده است که ورود به آن از حوصله این نوشتار خارج است. اما باید گفت به همان نسبت، نظریه‌پردازان هم در این عرصه، منظرهای متفاوتی را مدنظر داشته‌اند. که برخی از آنها در ادامه معرفی خواهد شد. به حسب موضوع بحث، یعنی ارتباطات علمی، می‌توان گفت ارتباطات علمی، فرآیند عرضه و مبادله یافته‌های علمی، اطلاعات و معانی میان مراکز علمی، محققان

۱. John Fiske از صاحب‌نظران بریتانیایی حوزه علوم ارتباطات

و صاحب‌نظران است. با این نگاه، مراکز پژوهشی (به‌عنوان طرفین همکاری) هم منابع تولید پیام و معنا بوده و هم به‌نوعی، دریافت‌کننده تولیدات علمی طرف مقابل محسوب می‌شوند. قالب‌های عرضه تولیدات علمی از جمله، کتاب، مقاله، همایش‌ها، گفتگوها و نشست‌های علمی را نیز می‌توان به‌عنوان کانال‌های ارتباطی دانست. اشاره به چند نکته در این زمینه لازم به‌نظر می‌رسد:

- در فضای همکاری‌های علمی جهت انتقال و مبادله یافته‌های علمی، هر دو سوی رابطه نقش کلیدی در شکل‌گیری ارتباط دارند و لذا تأکید صرف بر فرستنده یا گیرنده قابل دفاع نیست. چرا که این ارتباط، از نوع ارتباط بالفعل است و نه ارتباط بالقوه برای آینده^۱.

- در فضای همکاری‌های علمی، همان‌گونه که اصرار بر عنصر پیام، بدان‌گونه که مدنظر فرستنده است، صحیح نیست، تأکید بر دریافت معنی، صرفاً بدان‌گونه گیرنده مدنظر دارد، نیز قابل دفاع نیست. چرا که در این صورت، اساساً همکاری شکل نخواهد گرفت.

- بنابراین، اشتراک در شناخت، تعامل در تولید و حضور توأمانی طرفین ارتباط باید مورد توجه قرار گیرد.

از لحاظ تعریف سطح ارتباطات هم باید به سطح فردی (محققان و صاحب‌نظران) و سازمانی (مراکز علمی و پژوهشی) اشاره داشت. اگر چه مراکز پژوهشی مورد بحث این نوشتار، در هیئت واحد سازمانی قابل مطالعه‌اند ولی در فضای مبادلات علمی، نقش سطح فردی (محقق و پژوهشگر) و گروهی را به‌هیچ‌عنوان نباید کم‌رنگ انگاشت. بلکه شایسته است مورد توجه جدی قرار گیرد. از آنجا که در بررسی مؤلفه‌های محیطی توسعه همکاری، به مؤلفه‌های سازمانی پرداختیم، لذا در اینجا، مکمل بحث، یعنی مؤلفه‌های ارتباطات انسانی (در گونه میان‌فردی و گروهی) بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

نگاهی اجمالی به برخی نظریه‌های ارتباطات از منظر بهبود روابط

جنبه‌های متعدد نظریه‌های ارتباطات، طبقه‌بندی مشخص و روشن آن را دشوار می‌کند (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۴۸). اما با توجه به مسئله و هدف پیشروی این مقاله، تعدادی از

۱. انتقال دو گونه می‌تواند صورت بگیرد: ۱. انتقال بالفعل برای هم‌اکنون؛ ۲. انتقال بالقوه در آینده (مانند وصیت‌نامه) (شرف‌الدین، ۱۳۸۹).

نظریه‌هایی را که ناظر به بهبود روابط (در اینجا، شکل‌گیری همکاری علمی سازنده) هستند، به اجمال مرور می‌کنیم (برگرفته از: وست، و ترنر، ۱۳۸۷):

– نظریه کاستن عدم‌اطمینان^۱ (برگر و کالابرس، ۱۹۷۵)

وقتی دو فرد [یا دو گروه] ناآشنا با هم ملاقات می‌کنند، تمرکز اولیه آنان بر کاهش سطوح عدم‌اطمینان در آن موقعیت است و سطوح عدم‌اطمینان آنان هم در حوزه‌های رفتاری و هم در حوزه‌های شناختی وجود دارند.

– نظریه نفوذ اجتماعی^۲ (آلتمن و تیلور، ۱۹۷۳)

نظریه‌پردازان نظریه نفوذ اجتماعی اعتقاد دارند که روابط میان‌فردی به شیوه‌ای تدریجی و قابل پیش‌بینی رشد می‌یابند. نظریه نفوذ اجتماعی بیان می‌کند که خودافشایی روش اصلی برای پیش‌برد روابط غیرصمیمانه و کم‌عمق به روابط عمیق و صمیمانه است. البته با وجود اینکه خودافشایی می‌تواند منجر به روابط صمیمانه‌تر گردد، ممکن است فرد را آسیب‌پذیر سازد.

– نظریه تبادل اجتماعی^۳ (تیبات و کلی، ۱۹۵۹)

طبق این نظریه عامل اصلی در روابط بین‌فردی تأمین علائق و منافع طرفین است که عملاً می‌تواند روابط را تقویت نمایند. تعاملات بین‌فردی قابل مقایسه با مبادلات اقتصادی هستند که در آنها مردم زمانی رضایت می‌یابند که در مقابل پرداخت خویش، معادل منصفانه‌ای به‌دست آورند.

– نظریه دیالکتیک ارتباطی^۴ (باکسر و مونتهگومری، ۱۹۸۸)

حیات رابطه‌ای همیشه برقرار است. مردم در جریان روابط به‌طور مستمر، تقابل نیازهای متضاد را احساس می‌کنند. اساساً مردم دوست دارند که هم استقلال و هم ارتباط، هم خودگشایی و هم حفظ حریم شخصی، هم تنوع و هم قابلیت پیش‌بینی را با یکدیگر داشته باشند. مردم هنگام برقراری روابط تلاش می‌کنند بین این نیازهای متضاد سازش ایجاد کنند.

– نظریه مدیریت ارتباطات^۵ (پترونو، ۱۹۹۱)

خودافشایی در روابط نیازمند مدیریت محدوده‌های خصوصی و عمومی است. این محدوده‌ها مابین احساس نیاز به خودگشودگی و احساس‌هایی که فرد خواهان خصوصی ماندن‌شان

1. Uncertainty Reduction Theory
2. Social Penetration Theory
3. Social Exchange Theory
4. Relational Dialectics Theory
5. Communication Privacy Management Theory

است، وجود دارد. خودگشودگی در بهبود روابط، چیزی فراتر از آشکار کردن اطلاعات شخصی برای دیگران است. بحث درباره این محدوده‌ها و هماهنگی آنها نیز لازم است. تصمیم‌های مبتنی بر خودگشودگی نیازمند مراقبت دقیق است. در مجموع، بر اساس آنچه در این بخش ارائه شد، باید گفت، در دستیابی به یک الگوی ارتباطی مطلوب جهت همکاری‌های علمی، ابعاد و مؤلفه‌های زیر باید مورد توجه قرار گیرند:

۱. در بعد سطح ارتباط، الگوی ارتباطی باید به گونه‌ای تدارک شود که همکاری‌های علمی هم از ظرفیت‌های سازمانی و نهادی و هم از ظرفیت‌های فردی و نخبگانی بتواند بهره‌مند شود.

۲. در بعد روند، الگوی مورد نظر باید به گونه‌ای عمل نماید که ارتباطات به صورت تدریجی و از آشناسازی اولیه شروع شده و به تبادل علمی پایدار منتهی شود. در این روند، الگوی ارتباطی باید بتواند زمینه شناخت درست طرفین همکاری را فراهم نموده و مفاهیم علمی به وجود آورد. به گونه‌ای که عدم اطمینان را به حداقل رسانده و سوء تفاهم‌ها برطرف نماید. برای این منظور، الگوی ارتباطی باید متوجه نیازهای طرفین شده و به گونه‌ای عمل نماید که آنها از این ارتباط و همکاری علمی احساس رضایت نمایند. به عبارت دیگر، الگوی ارتباطی باید زمینه‌ساز ایجاد ارزش افزوده برای طرفین باشد. چنانچه مهم‌ترین نیاز در یک ارتباط علمی را پاسخ‌یابی معطوف به یک مسئله علمی بدانیم، در این صورت می‌توان گفت، الگوی ارتباطی در روش، باید مسئله‌محور باشد. ۳. در بعد کانال ارتباطی و حامل‌های تبادل، الگوی ارتباطی باید به تناسب سطح و شرایط محیطی همکاری از حامل‌های متنوع و متناسب بهره‌گیرد. همان‌طور که اشاره شد معمول در همکاری علمی، یافته‌های علمی، اطلاعات و معانی معرفتی است لذا به تناسب ویژگی‌های فرهنگی و زبانی طرفین، حامل تبادل باید از تناسب و کارآمدی کافی برخوردار باشد.

با عنایت به آنچه در جمع‌بندی بیان شد و با لحاظ شناخت نقش الگوی ارتباطی در گسترش همکاری، ابعاد و مؤلفه‌های الگوی ارتباطی را این‌گونه می‌توان ارائه کرد:

۱. منطق عملی انسان در کنش، یافتن پاسخ مناسب برای نیاز است، بر پایه:

- جلب ملایم و دفع منافر (جلب لذت و دفع الم)
- توجیه‌پذیری عقلانی = تدبیری بودن فعالیت (شرف‌الدین، ۱۳۹۰).

جدول ۶: ابعاد الگوی ارتباطی مطلوب جهت توسعه همکاری‌های علمی

مؤلفه مؤثر در همکاری	مضمون
تعریف نقش‌های فردی و نهادی	سطح ارتباط
وضعیت شناخت و اعتماد متقابل	روند تعامل
تناسب و کارآمدی حامل‌های تبادل	حامل‌های تبادل

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر در دو سطح ملی و سطح نهادی، قابل جمع‌بندی و ارائه است. مخاطب سطح کلان و ملی، دستگاه‌های سیاست‌گذاری علمی و پژوهی ملی (همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی حوزه‌های علمیه و وزارت علوم) و مخاطب مطالب بخش نهادی، مدیران مراکز و مؤسسات علمی و پژوهشی حوزه دین هستند.

الف. مدل سیاست‌گذاری سطح ملی برای گسترش ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی عرصه دین‌پژوهی با توجه به همه آنچه ذیل محورهای چهارگانه مؤثر بر گسترش همکاری مطرح و تشریح شد، در اینجا تلاش شده است یک مدل مفهومی برای مسئله‌شناسی و سیاست‌گذاری در سطح کلان، جهت گسترش ارتباط و همکاری‌های بین‌المللی در عرصه دین‌پژوهی ارائه گردد. در این مدل، ۱۷ مؤلفه مهم ذیل ۴ بعد اصلی همکاری‌های دین‌پژوهی شناسایی و ساماندهی شده است که دستگاه‌های سیاست‌گذاری ذیربط، می‌توانند به تناسب هر یک از مؤلفه‌ها، نسبت به آسیب‌شناسی و راه‌حل‌گزینی و اجرا اقدام نمایند. روشن است که به تناسب وضعیت و شرایط عینی مؤلفه‌ها می‌توان اولویت‌های اقدام را نیز مشخص نمود.

جدول ۷: مدل کلی سیاست‌گذاری گسترش ارتباط و همکاری عرصه دین‌پژوهی

مؤلفه	مضمون	ابعاد و مناظر	ردیف
۱. نظام مدیریت در مراکز دین‌پژوهی	اقتضانات سازمانی	شرایط محیطی	۱
۲. ظرفیت و توانمندی انسانی مراکز دین‌پژوهی	منابع کلیدی		
۳. شرایط اقتصادی و تأمین منابع مالی	الگوی همکاری درونی		
۴. شبکه‌های همکاری مراکز دین‌پژوهی	فشارهای نهادی		
۵. فرهنگ محیط دین‌پژوهی کشور			
۶. عوامل سیاسی امنیتی محیطی			

ردیف	ابعاد و مناظر	مضمون	مؤلفه
۲	رویکردهای دین پژوهی	گستره دین پژوهی	۷. مبنای تعیین گستره موضوعی دین پژوهی
		روش مراجعه، تحلیل و استنباط متون دینی	۸. جایگاه وحی و نقل در دین پژوهی ۹. نقش عقل (و علوم بشری) در دین پژوهی
		روش ارجاع مسائل اجتماعی به دین	۱۰. نسبت سنجی دین و زندگی بشری در دین پژوهی ۱۱. گذشته گرایی یا آینده نگری در دین پژوهی
۳	ویژگی های طرف همکاری	ویژگی های علمی (تحولات فکری عرصه بین الملل در حوزه دین پژوهی)	۱۲. پیشینه و ظرفیت های علمی طرف همکاری ۱۳. اهداف و راهبردهای علمی طرف همکاری
		ویژگی های رفتاری	۱۴. فرهنگ و زبان طرف همکاری
۴	الگوی ارتباطی همکاری مشترک	سطح ارتباط	۱۵. تعریف نقش های فردی و نهادی
		روند تعامل	۱۶. وضعیت شناخت و اعتماد متقابل
		حامل های تبادل	۱۷. تناسب و کارآمدی حامل های تبادل

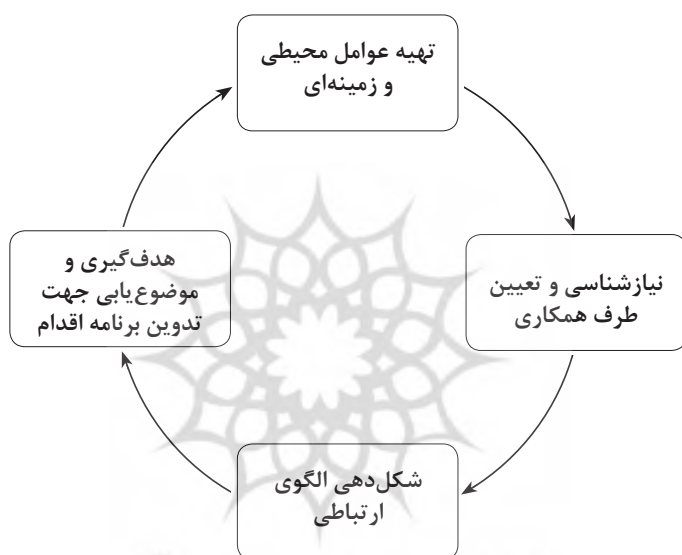
ب. مدل راهبرد پردازی سطح نهادی برای فعال سازی مراکز دین پژوهی در عرصه بین الملل همان طور که ملاحظه می شود، مضامین و مؤلفه های مؤثر در سیاست گذاری سطح کلان متنوع شده است. لذا ایجاب می نماید تا در سطح نهادی، برای شناخت مسائل و تدوین راهبردهای مؤثر، نظام ارتباطی و تقدم و تأخر این مؤلفه ها نیز معلوم گردد. از سوی دیگر، چون توسعه و گسترش همکاری، مقوله ای مستمر و در واقع فرآیندی تکرار پذیر است، لذا برای این منظور گام های عملی ذیل برای فعال سازی مراکز و مؤسسات دین پژوهی در عرصه بین الملل پیشنهاد می شود:

۱ گام اول؛ محیط شناسی راهبردی: مراکز و مؤسسات دین پژوهی تنها با شناخت دقیق (موقعیت شناسی) از وضعیت مراکز معتبر و مؤثر دین پژوهی جهان و تلاش برای ارتقای خود آگاهی در این عرصه، امکان اثر گذاری را برای خود فراهم خواهند کرد.

۲ گام دوم؛ نیاز شناسی و تعیین هوشمندانه طرف همکاری: مراکز دین پژوهی، علاوه بر موقعیت شناسی محیطی، باید برای انتخاب طرف همکاری، شناخت درستی از انگیزه ها و نیازهای علمی سایر مراکز داشته باشند. این نیاز شناسی ناگزیر باید مبتنی بر شناخت پیشینه، ظرفیت ها و رویکردهای دین پژوهی سایر مراکز باشد.

۳ گام سوم؛ شکل دهی الگوی ارتباط و تعامل می توان گفت، تعیین الگوی ارتباطی، بیش از شناخت طرف همکاری اهمیت دارد. این الگوی ارتباطی، می تواند در سطوح

فردی و نهادی و مبتنی بر رویکرد تدریج‌گرایانه ساماندهی شود. \sqrt گام چهارم؛ تدوین برنامه اقدام: گام عینی و ملموس در راهبردپردازی همکاری‌های بین‌المللی مراکز دین‌پژوهی، شامل هدف‌گذاری و موضوع‌یابی پژوهشی مبتنی بر حوزه‌های مشترک از حیث گستره، نیازها و رویکردهای دین‌پژوهی است. در پایان این مرحله است که مراکز می‌توانند نسبت به تعریف پروژه‌ها یا کارویژه‌های علمی و پژوهشی مشترک با مراکز علمی و دانشگاهی خارج از کشور، اقدام نمایند. این گام‌ها را به‌صورت نمودار زیر می‌توان صورت‌بندی کرد:



نمودار ۲: گام‌های فعال‌سازی مراکز دین‌پژوهی در عرصه بین‌الملل

شایان ذکر است، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد دو سطحی در این تحقیق، گویای این مطلب است که این مدل در مرحله اجرا به‌صورت توأمان، هم به الگوی اجرای بالا به پایین و هم به الگوی اجرایی پایین به بالا توجه کرده است. الگوی نخست بر این فرض استوار است که تصمیمات سیاستی از بالا (دستگاه‌های سیاستی ملی) اتخاذ و طی نظامی سلسله‌مراتبی و مدیریتی از سوی سطوح پایین‌تر (مراکز پژوهشی) به‌اجرا در می‌آید. الگوی دوم اما، بر نقش مدیران و مؤسسات رده عملیاتی (مراکز پژوهشی) تأکید دارد. این نگاه توأمانی در واقع، نوعی تأکید بر رویکرد شبکه‌ای اجرای سیاست است. رویکرد شبکه‌ای اجرا، رهیافتی است که می‌توان آن را محصول ترکیب مزایای دو رویکرد دیگر دانست (اشتریان، ۱۳۹۰).

منابع

۱. ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). دین‌پژوهی. ویکی‌فقه. (<http://wikifeqh.ir>)
۲. اشترینان، کیومرث. (۱۳۹۰). اجراپژوهی؛ چالش‌های اجرای سیاست‌گذاری عمومی در ایران. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. اشترینان، کیومرث. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۴. ادریسی، افسانه. (۱۳۸۹). شناسایی مراکز مطالعات فرهنگی و اجتماعی ایران و جهان. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده. (۱۳۷۹). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. بهمنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). دین‌پژوهی (به‌مثابه نسبت میان دین و زندگی) از منظر جریان‌های فکری ایران معاصر. اسلام و مطالعات اجتماعی. شماره ۲.
۷. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۹). روش‌شناسی انتقادی حکمت‌صدرایی. تهران: کتاب فردا.
۸. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۲). حدیث پیمان، پژوهشی در انقلاب اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
۹. حسن‌زاده، محمد و سولماز بقایی. (۱۳۸۸). جامعه علمی، روابط علمی و هم‌تألیفی. رهیافت. شماره ۴۴.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر. قیاسات. شماره ۲۸.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۶). معرکه جریان‌ها (جریان‌های دین‌پژوهی ایران معاصر). زمانه. شماره ۶۵.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۸). جریان‌شناسی فکری ایران معاصر. مؤسسه حکمت نوین اسلامی
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین و مهدوی پارسا، حسین. (۱۳۸۶). روش‌شناسی دین‌پژوهی. پژوهش و حوزه. شماره ۲۹.
۱۴. دان، ویلیام‌ان. (۲۰۰۹). سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها. کیومرث اشترینان. منتشر نشده.
۱۵. سبحانی، محمدتقی. (۱۳۸۵). درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران معاصر. نقد و نظر. سال یازدهم. شماره ۴۳ و ۴۴.
۱۶. شرف‌الدین، حسین. (۱۳۸۹). جزوه درس نظریه‌های ارتباطات. دانشگاه باقرالعلوم (ع)
۱۷. صادقی‌رشاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). دین‌پژوهی معاصر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. ظهیری، سید مجید. (۱۳۸۱). بازشناسی گستره دین‌پژوهی. اندیشه حوزه. شماره ۳۵.
۱۹. قلی‌پور، رحمت‌الله و ابراهیم غلام‌پور. (۱۳۸۹). فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲۰. لیتل جان، استیفن. (۱۳۸۴). *نظریه‌های ارتباطات*. مرتضی نوربخش و اکبر میرحسینی. تهران: انتشارات جنگل.
۲۱. منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶). گراند تئوری: نظریه‌سازی استقرایی بر اساس داده‌های واقعی. فصلنامه *تعلیم و تربیت*.
۲۲. مینتزرگ، هنری و دیگران. (۱۳۸۴). *جنگل استراتژی*. محمود احمد پورداریانی. تهران: جاجرمی.
۲۳. هج، ماری جو. (۱۳۸۵). *تئوری سازمان مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن*. حسن دانایی‌فرد. تهران: نشر افکار.
۲۴. وست، ریچارد و لین. اچ. ترنر. (۱۳۸۸). *معرفی نظریه‌های ارتباطات*. فرید محمدنژاد. راسخون. (<http://rasekhoon.net/article/show/151993>)

25. Lukas, C. & R. Andrews. (2007). *Four Keys to Collaboration Success*. <http://www.giving.org.nz/sites/all/files/Four>.

26. <http://www.hunter.cuny.edu/socwork/nrcfcpp/pass/learning-circles/five/LearningCircle-FiveResources.pdf>





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی